

آیا عبدالرفیع حقیقت از عمده

با سلام گرم و ساد باس؟ هر روز در

اخیراً فرستادیم سحران زبان پادسی که به محبت شما سپردیم و آن لیلی شده است به نام
ما خواهم بر این حوزت بزرگ ادبی، این کار بسیار سودمند (کارگر که در دگرگونی پذیرفته جهان
دیروز تا وقت اینجام نشنیده) به شما تبریک و تهنیت بگویم. در آن روز که شما در سر آغاز این مملکت
حادثه آورده اید، همه ما را شکر کنیم.

چون در بیگانه، و عده تجدید چاپ و گسترش محمود آن کتاب را داده اید و از
نویسندگان نظر آن را خوانده اید، بر خود لازم می دانم که یاد آور شوم که در سر آن زندگی را به علم
"پیر از وقایع آذربایجان در آن زمان به افکار عمومی ناگزیر به گذر اتحاد جماهیر شوروی بنا شده است"
ایده با حقیقت و فن می آید. چه در آن زمان ادراک ما ۱۳۲۵ یعنی یک سال پس از تسکین مردم
دکرات آذربایجان، و راه تنها برای از خواب با همبر خود آمانی بدیع تر نمی که در آذربایجان بود
به بهتر فرزند و پس از دو ماه یا کمتر همراه وی ندانسته به سوی بسیار شد.

ما خواهم بگویم که اگر راه در گذشته و امروز به ایده و عقیده ای باشد بود و با ما باشد
دارای آن نهایت اخلاق است که اگر از نظر این را بیان کند و تقسیم که چگونه ممکن است در
سرد عقیدات و نظرات شخص نادریده و ناشناخته ای بدون هیچ مدرکی، با این قاطعیت
تفاوت کرد. ختم این محکم در تجدید چاپ، این مطلب را به درستی توضیح دهید.
فقطاً مختصر کرده زندگی و فرست کارهای انجام شده ام را با چند شعر تازه برایشان
مکافرت. ضعیفی مایل بودم و نویسی از آنچه در مکتب سخن در باره راه نوشته اید دانسته
باشم. اگر رسید این نامه به دستم برسد، بجمعی که در مقام «البرزی مکتب» و «ای باد شرم» را
برای شما خواهم فرستاد.

با آرزوی موفقیت آقا پریم بیدر

راه

لله بسوم فروردین (۱۳۷)

63 Colet Gdns
St. Paul's Court
London W14, 9DN
England

شعر: گلزار از رود، در بوی شام
در درتین تبار و در سبزه و عقیم